



لایحه بودجه ۱۴۰۰ و سیر در عالم هیروت

سرانجام لایحه بودجه ۱۴۰۰ دولت در اختیار مجلس قرار گرفت تا به ظاهر در مقایسه با روال پارلمانهای بورژواپی کم و کسی نداشته باشند و "نمایندگان" مردم از کم و کیف بودجه با خبر شده و بر دخل و خرج دولت نظارت داشته باشند!

سالهای گذشته شنیدیم و دیدیم که هر بار بعد از تقدیم بودجه کل کشور به مجلس ارتجاع، چه سر و صداهائی که برپا نمیشود و چگونه جناح های متنازع رژیم آنجنان بجان هم میافتند که توگوئی همه چیز جای خودش هست و مسائل آنچنان شفاف و طبق قانون پیش میروند که مثلاً با پارلمان فرانسه مو نمیزند. از مدافعین حقوق کارگر گرفته تا، معترضین به نابودی محیط زیست، از فقدان ردیف بوجه برای بیکاران فاقد بیمه های اجتماعی گرفته تا حقوق زنان بیوه های ایراد به سهم بودجه های کلان نهادهای مذهبی گرفته تا ضرورت عدم اتکای بودجه به درآمد نفت... ادامه در صفحه ۲

اطلاعیه مشترک در حمایت از اعتراضات اخیر مردم کردستان عراق و محکومیت سرکوبگری حکومت اقلیم کردستان

صفحه ۶

افزایش بودجه نهادهای مذهبی و وابسته حاکمیت و نگرانی

صفحه ۴



از مبارزات توده های زحمتکش اقلیم کردستان حمایت

ادامه در صفحه ۵

به یاد دیه گو آرماندو مارادونا

چند روزی ست از مرگ ناکهانی دیه گو آرماندو مارادونا میگذرد. بدون شک جای آن دارد یاد این فوتبالیست نام آور را به قلم آورد و درباره وی یادبودی نوشت. مارادونا از خانواده بسیار فقیری بود که در گوشه ای از محلات فقیرنشین بوینس آیرس بدنیا آمد. خیلی زود در گوشه پس گوشه های این محله فقیرنشین مارادونا نشان داد که از چه استعدادی برای فوتبالیست بودن برخوردار است.

ادامه در صفحه ۴

بمناسبت ۱۶ آذر و رزم پایدار دانشجویان انقلابی

صفحه ۴

این "ورده" از آن ورده ها نیست!! طنناز مهدقلی زاده

صفحه ۱۱

اطلاعیه مشترک - تأمین واکسن کرونا و ارائه رایگان آن. خواست فوری طبقه کارگر است!

صفحه ۱۰

انتخابات پارلمان آلمان در ماه سپتامبر ۲۰۲۱

قدرت و وزنه سیاسی - اقتصادی که آلمان در اروپا به همراه می کشد بر همه روشن است. وزنه ای که با کنترل و همراهی فرانسه شکل گرفته و این دو کشور متحدان و مشترکا در بسیاری موارد، تعیین تکلیف بر سیاستهای اروپا را بعهده دارند. در تحلیلی که در سال گذشته ۲۰۱۹ در مورد انتخابات مجلس اروپا ارائه شد و در کار کمونیستی ماه ژوئن نیز به چاپ رسید به این امر اشاره شد که دو قطبی بودن اروپا در واقع شکل گرفته که از طرفی لهستان، مجارستان، سلوین، دولت چک و رومانی قرار گرفته اند و در طرفی دیگر هم کشورهای غرب اروپا به پرچمداری آلمان و فرانسه خود را آرایش و فورم داده اند.

ادامه در صفحه ۵

تغییر و تحولات سیاسی. اقتصادی و اجتماعی در دوره حکومت رضا خان

صفحه ۱۲

گرامی باد ۲۱ آذر هفتادوپنجمین سالگرد جنبش انقلابی

صفحه ۹

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی ، برقرار باد جمهوری فدراتیو شورائی !

بودجه است که نسبت به سال گذشته سه برابر شده است. معنی آن این است که این کسری بودجه از یک جایی باید تامین شود. از کجا؟ طاهر از محل فروش نفت و واگذاری اموال دولتی. اموال دولتی که سالها است چوب حراج خورده و به ثمن بخی به خودی ها واگذار میشود اما نفتی که به پائین ترین سطح فروش خود رسیده است چگونه میتواند پشتوانه هزینه ها و کسری بودجه سال آینده را تامین کند؟ در لایحه بودجه قرار است ۲۰۰ هزار میلیارد از درآمد نفت یعنی یک چهارم بودجه کل به بودجه عمومی تزریق شود در حالیکه فروش رسمی نفت در حال حاضر کمتر از ۳۰۰ هزار بشکه در روز است که برعکس سال گذشته که نرخ دلار ۴۲۰۰ تومان محاسبه شده بود امسال باید بر مبنای ۲۰ هزار تومان محاسبه کنند که عملاً نصف بودجه را به نفت وابسته کرده اند. نفتی که اصلاً معلوم نیست که بمیزان در نظر گرفته شده بفروش برسد. لازم به ذکر است که "دولت بودجه عمومی خود برای سال آینده را ۸۴۱ تریلیون تومان در نظر گرفته که ۱۹۹ تریلیون تومان آن از محل صادرات نفت خام (۳,۵) برابر قانون بودجه امسال) و ۱۲۰ تریلیون تومان آن از محل صادرات محصولات نفتی (با ۵۰ درصد افزایش نسبت به امسال) و ۶۶ تریلیون تومان آن از محل فروش داخلی محصولات نفتی پیش بینی شده است. توهومات بقدری به چشم میخورد و آش انقدر شور است که یکی از نمایندگان

لایحه بودجه ۱۴۰۰ و سیر در عالم هپروت

بودجه نویسان علاوه بر تخصص و استقلال لازم پایشان بر واقعیت زمینی استوار بوده باشد و به داده های واقعی تکیه کرده باشند و گرنه با سیر در عالم هپروت نظیر آنچه که بودجه نویسان در جمهوری اسلامی بدان مشغولند، نمیشود از روی ادعاهای ضد و نقیض سران امور و نمایندگان مجلس به تحلیل آن نشسته از آن نتیجه و رهنمود برای مبارزه گرفت. با وجود این نیم نگاهی به آنچه که لایحه بودجه می نامندش بیشتر روشن میشود که تلاش بودجه نویسان در عین حال و با تمام تلاش بودجه نویسان نشاندهنده افلاس رژیم حاکم بر ایران نیز است. بعنوان مثال در ردیف درآمدی پیشبینی شده است که از نهادها و بنیادهای انقلاب ۱۵۱۵ میلیارد تومان مالیات گرفته شود. گذشته از اینکه در نظر گرفتن این مبلغ نسبت به درآمدهای این بنیادها که بر بیشتر منابع اقتصادی چنگ انداخته اند بسیار ناچیز است اما نهادهای مزبور کی مالیات داده اند که این بار بدهند؟!، آیا رانت خوارها، بانک های خصوصی و موسسات چاولگر اعتباری و صندوق های قرض الحسنه و بنیادهای عظیم اقتصادی که به هیچ کس حساب پس نمیدهند. نمونه دیگر کسری ۳۱۹ هزار میلیاردی

ادامه از صفحه نخست

... خلاصه تنور بحث و جدل و اعتراض و انتقاد آنچنان گرم میشود که گوئی در مدت کوتاهی هم شده منافع تمام اقشار زحمتکش در کلام این باصطلاح نمایندگان ذوب در ولایت فقیه تجسمی عینی یافته است. و بر آن است تا اکثریت عظیم کارگران و زحمتکشان و محرومانی که دیگر هیچ امیدی به اصلاح امور به نفع شان در این نظام نمی بینند مدافعین خود را در سیمای سخنگویان طبقه حاکم و مافیای قدرت و ثروت بیابند. جالب است در تلاش مافیای قدرت و ثروت برای نمایش مجلس سرا پا گوش فرمان ولی فقیه بعنوان سیستم پارلمانی که طبق معمول نمایندگان اقشار مختلف مردم در آن به نمایندگی از انتخاب کنندگان خود در جال بحث و جدل و انجام ماموریت نمایندگی خود هستند، علاوه بر روزی نامه های رنگارنگ مجاز به اپوزیسیون چپ و راست رژیم هم سرایت کرده است و از کپی پاستای این خزعبلات تا رونویسی از منتقدین نظام در نقد و تحلیل خود، به مروج جنین سیستمی تبدیل میشوند. در حالیکه زمانی میشود بر اساس لایحه بودجه به تجزیه و تحلیل درست و علمی نشست که لایحه مزبور از حداقل شفافیت برخوردار باشد

ذوب در ولایت فقیه مجلس نیز مجبور به اعتراف شده است و میگوید:

«پیش بینی شده است که در سال آینده روزانه بین یک میلیون تا دو میلیون و ۳۰۰ هزار بشکه نفت صادر خواهیم کرد که این فرض واقعی نیست چرا که در شرایط تحریم امکان فروش نفت وجود ندارد..

ایشان البته فوراً نگرانی مردم از این

شدید بسر میبرد در چنین شرایطی کسب و کارهای کوچک و یا بنگاه های خصوصی و بخش بزرگی از شرکتهای دولتی در جریان رکود سالهای اخیر آنچنان لطمه دیده و از رمق افتاده اند که بنظر نمیرسد که در آمد آنچنانی داشته باشند تا مشمول مالیات گردند خیلی از آنها از پرداخت بموقع حقوق کارگران و کارکنان خویش نیز سر باز میزنند.

بودجه تنظیمی دولت جمهوری اسلامی نشاندهنده بن بست اقتصادی است که هیچ چشم اندازی برای برون رفت از آن وجود ندارد. آنچه که در چشم انداز است فلاکت بیشتر توده های زحمتکش مردم و گسترش فساد دولتی، اختلاس، تشدید استثمار و توسل رژیم به حادثه آفرینی در خارج و سرکوب در داخل است.

بابت را بی مورد میدانند و میگویند دولت حسن روحانی قبلاً گفته بود که اگر صادرات نفتی محقق نشد، اوراق سلف نفتی به مردم خواهد فروخت یعنی قرار است با پیش فروش نفت و خالی کردن جیب مردم مشکل را برطرف کنند.

پس تنها منبعی که میماند اخذ مالیات است. اما در بخش مالیات نیز اوضاع از آنچه که گفته شد بهتر نیست و گرنه توصل به درآمد نفت آخرین چاره نمیبود که از قضا صادرات آن منوط به برداشتن تحریمها است. و فروش داخلی هم منوط به افزایش در آمد ها و بهبود وضعیت اقتصادی مردم است.

در آمد مالیاتی در لایحه بودجه ۲۵۰ میلیارد محاسبه شده است این در حالی است که اقتصاد ایران در شرایط بحرانی

در افزایش بودجه برای آنها در نظر گرفته شده است و با وجود اینکه خود رسماً اقرار میکنند که نرخ تورم نقطه ای در آبان ماه ۱۳۹۹ از ۴۶.۴ صدم درصد عبور کرده و طبق اعلام رسمی مرکز پژوهش های مجلس نرخ بیکاری واقعی چیزی حدود ۲.۵ برابر آن چیزی است که مرکز آمار اعلام می کند در لایحه بودجه تنظیمی تنها ۲۵ درصد افزایش حقوق آنها برای کارمندان دولتی در نظر گرفته شده است و هیچ ردیف بودجه ای برای حل این معضلات در نظر گرفته نشده است.

در یک کلام بودجه تنظیمی دولت جمهوری اسلامی نشاندهنده بن بست اقتصادی است که هیچ چشم اندازی برای برون رفت از آن وجود ندارد. آنچه که در چشم انداز است فلاکت بیشتر توده های زحمتکش مردم و گسترش فساد دولتی، اختلاس، تشدید استثمار و توسل رژیم به حادثه آفرینی در خارج و سرکوب در داخل است. اما فراموش کرده اند که جنبش های اجتماعی بویژه جنبش کارگری در ایران هرگز تسلیم زور سرنیزه نخواهد شد و همچون آتشی زیر خاکستر باز هم برخاسته و این بار با آگاهی و تجربه بیشتر، به مبارزه برای رهایی از ستم و استثمار و زور و سرکوب، تا پیروزی نهائی ادامه خواهد داد.

بنگاه های ریزو درشت وابسته به بیت رهبری، سپاه پاسداران و نظامگراینها که عمده منابع اقتصادی را در چنگ دارند به هیچ کس حساب پس نمیدهند بلکه سال به سال به بودجه شان اضافه میشود و یا صدا و سیما، سازمان اوقاف که علاوه بر زمینداری و زمینخواری فساد و دزدی و بالا کشیدن حقوق کارگران، بودجه های کلانی نیز از بودجه عمومی دریافت میکنند و کک شان هم نمیکزد که مردم با چه فقر و فلاکتی دست بگریبان هستند... انتظار دریافت مالیات از چنین مراکز غارت و چپاول و فساد فقط فریب افکار عمومی و یا سیر در عالم هپرود است.

در نهایت میماند اخذ مالیات از کارمندان، کارگران و دیگر زحمتکشان و حقوق بگیرانی که کمترین سهم

افزایش بودجه نهادهای مذهبی و وابسته حاکمیت و نگرانی گردانندگان روزنامه جمهوری اسلامی

بودجه نمیکند که به اعتراضات گسترده دامن زده و توده های مردم میپرسند در شرایطی که به بهانه تحریمها و وضعیت کرونائی حقوق بسیاری کارگران و شاغلین موسسات پرداخت نمیشود و بیکاری و تورم و اخراجهای دسته جمعی جان مردم را به لب رسانده است چگونه است که بخش مهمی از بودجه کشور به جیب وابستگان به حاکمیت در این نهادهای فاسد و چپاولگر ریخته میشود؟!

روزنامه نویسان جمهوری اسلامی نگران ریخته شدن دسترنج توده های زحمتکش مردم به صندوق نهادهای مفتخور مذهبی در لایحه بودجه امسال نیستند، چرا که خود نیز جزو دریافت کنندگان بخشی از بودجه و از رانت

مردمی بودن به سوی وابستگی سوق می دهید و این وابستگی ها بزرگترین ضربه را به فرهنگ وارد می کند." بلی! اولاً " برای شورای عالی حوزه علمیه قم، چند مؤسسه حوزوی، چند مؤسسه تحقیقاتی وابسته به حوزه علمیه، سازمان تبلیغات اسلامی و چند مجمع بین المللی بودجه هائی در نظر گرفته شده " از بودجه دولتی استفاده میکنند " گویا تا کنون چنین نبوده است و این کشف امسال گردانندگان این روزنامه است!! در حالیکه چهاردهه است که تمام

در حالیکه توده های زحمتکش مردم با گرانی، بیکاری و ناتوانی در تامین معاش روزانه خود دست بگریبان بوده و بسیاری از کارگران و کارمندان با معوقات مزدی چندین ماهه مواجه هستند و سران امور دولتی و نهاد های رنگارنگ مذهبی اختلاسگر و دزد و رانت خوار، در برج و باروهای چندین هزار میلیاردی به عیش و عشرت مشغولند، افزایش چشمگیر سهم نهادهای مذهبی در لایحه بودجه ۱۴۰۰ روزنامه جمهوری اسلامی را هم که خود جزو رانت خواران در نظام جمهوری اسلامی محسوب میشود به شکوائیه وا داشته تا با بلکه بتواند از خشم و نفرت توده های مردم نسبت به مافیای سرکوبگر حاکم بکاهد. روزی نامه جمهوری اسلامی در باصطلاح نقد افزایش بودجه نهاد های مذهبی

مینویسد:

بررسی اوضاع اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و تاریخی ایران و روند تکامل نظام سرمایه داری و اشکال مختلف سیادت سیاسی آن نشان می دهد که نظام سرمایه داری در ایران هر شکل سیاسی ای که بخود بگیرد، قادر به حل معضلات جامعه در جهت آزادی، عدالت اجتماعی و رشد و شکوفائی انسانها نیست. ایران به یک تحول اساسی در تمامی عرصه های زندگی اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی نیازمند است که تنها از طریق یک انقلاب اجتماعی بر عکس سیادت سیاسی و اقتصادی اقلیت محدود جامعه ممکن و قابل تحقق است. "از برنامه سازمان اتحاد فدینان کمونیست"

خواران دستگاه دولتی هستند و بقول معروف "چاقو دسته خوداش رانمیبرد" بلکه در حال لاپوشانی و انحراف افکار عمومی از توجه به افزایش چشمگیر بودجه این نهاد ها و نگران اعتراضات مردم و بی ابرو تر و مفتضح تر شدن این نهادهای مذهبی هستند.

این نهادهای سرکوبگر و اشائه دهنده خرافات سهم کلانی از بودجه عمومی را بکام میکشند در اینجا روزنامه جمهوری اسلامی تاش میکند وانمود بکند که گویا به تازگی برای این نهادها "بودجه هائی در نظر گرفته شده است" این روزی نامه حتی اشاره ای هم به افزایش بودجه این نهاد ها در لایحه

"در لایحه بودجه ۱۴۰۰ کل کشور، برای شورای عالی حوزه علمیه قم، چند مؤسسه حوزوی، چند مؤسسه تحقیقاتی وابسته به حوزه علمیه، سازمان تبلیغات اسلامی و چند مجمع بین المللی بودجه هائی در نظر گرفته شده " که " با اختصاص دادن بودجه های دولتی به مراکز دینی، فرهنگ کشور را از

از مبارزات توده های زحمتکش اقلیم کردستان حمایت کنیم



دیروز یکشنبه تظاهرات توده های زحمتکش مردم کردستان عراق فاز جدیدی از اعتراض به وضعیت موجود را آغاز کردند. تظاهرات و تجمعات روز یکشنبه به همراه طرح خواست ها و مطالبات مردم محروم و زحمتکش طبق معمول با یورش نیروهای انتظامی و امنیتی احزاب عشیره ای حاکم مواجه شد. گزارشات حاکی از آن است که در نتیجه این یورش سرکوبگرانه ماموران اقلیم تاکنون چندین کشته و زخمی بجای گذاشته است و وعده زیادی از معترضین نیز دستگیر شده اند. این یورش وحشیانه خشم و انزجار مردمی را که بصورت مسالمت آمیز خواستار پرداخت حقوق های معوقه رفع بیکاری و پایان دادن به فساد و چپاولگری حاکمان اقلیم بودند برانگیخت و مردم در ادامه تظاهرات به دفاتر احزاب حاکم یورش برده و آنها را به آتش کشیدند.

برغم سیاست کشتار و سرکوبی که حاکمان اقلیم در پیش گرفته اند از امروز دوشنبه تظاهرات و اجتماعات به مناطق دیگر کردستان نیز کشیده شده است و توده های زحمتکش مردم که از بیکاری، گرانی و غارت و چپاول دسترنجشان توسط مافیای حاکم بتنگ آمده اند و خواهان تغییرات بنیادی در سیستم اقتصادی و سیاسی کردستان هستند.

خواست ها و مطالبات زحمتکشان کردستان از خواست ها و مطالبات توده های مردم سایر نقاط این منطقه جدا نیست. از مبارزات آنها حمایت کنیم.

سازمان اتحاد فداییان کمونیست

۱۳۹۹ آذر ۱۸

انتخابات پارلمان آلمان

در ماه سپتامبر ۲۰۲۱

ادامه از صفحه اول

... آلمان در این میان بیش از یک قرن است که در تلاش بوده و هست قدرت امپریالیستی واحد خود را به کرسی برساند اما قدرتهای مقابل چه در جنگ جهانی اول و چه در جنگ جهانی دوم که مسبب هر دوی این جنگ آلمان بود، به آلمان اجازه ندادند که این کشور تعیین تکلیف برای اروپا را معین کند.

امروز بعد از بیش از ۷۵ سال از پایان جنگ جهانی دوم، آلمان دیگر به تنهایی قادر و اجازه قدر قدرتی جهانی را ندارد، اما مشترکاً چه از طریق چهار چوب نظامی و چه از نظر قدرت اقتصادی می بایستی خود را با نیات همپیمانان، منطبق دهد. این مناسبات و مقررات بخوبی در پیمان آتلانتیک شمالی (پیمان ناتو) دیده میشود و در مصوبات و تصمیمات اروپایی شاهد همکاریهای تنگاتنگ آلمان و فرانسه هستیم. بی خود نیست که وزیر سابق دفاع آلمان سال گذشته با تأیید فرانسه ریاست اتحادیه اروپا را بعهده گرفت! تمامی این نظم سیاسی- اقتصادی- نظامی چه در سطح بین المللی و چه در سطح اروپایی و چه در سطح مباحثات و تصمیمات داخلی در آلمان اسرارهای کلیدی است که سرنوشته ائتلاف احزاب را در انتخابات ماه سپتامبر ۲۰۲۱ تعیین میکنند.

بدون هیچ تردیدی در کنار این مسائل کلیدی که ذکر شد، مسائل داخلی آلمان از جمله مسئله بیکاری، مشکل مسکن، مسئله نژاد پرستی و راسیسم در ارگانهای دولتی و در جامعه، مقروض بودن دولت، وضعیت کووید ۱۹ (کرونا) بحث و به اجرا در آوردن مالیات بر درآمد ثروتمندان میلیونر و میلیاردی، بودجه ۵۰ میلیاردی برای هر چه بیشتر مسلح کردن ارتش آلمان و سهم مخارج نظامی آلمان در ناتو، حضور و دخالت نظامی ارتش آلمان در کشورهای آفریقایی، افغانستان و کشورهای خاورمیانه موضوعات داخلی دیگری است که شکل ائتلاف دولت آینده را در آلمان تأمین میکنند. مسلم است که تمامی احزابی که در موارد بالا برنامه و نظرات

انتخابات پارلمان آلمان در ماه سپتامبر ۲۰۲۱

مشترک داشته باشند و آیشان در جویی هموار شود، ائتلاف آنها به هر رنگی بوده باشد، دولت آینده آلمان را شکل خواهند داد. ائتلافهایی که در گذشته هم برای ثبیت چهارچوب نظم بورژوازی و امپریالیستی این کشور همیشه با وجود بحرانهایی هم که گریبانگیر آن بوده اند، شکل گرفته است. گفتار از این است ائتلاف احزاب، نه ائتلاف توده های صلح طلب و معترض به سیاستهای دولت است بلکه احزاب رنگارنگی که در طی سالهای گذشته خود را به هم نزدیک کرده اند و تجربیات ائتلافات کوچک و بزرگ را بر خود دیده اند به پای ائتلافات همچون گذشته خواهند رفت و یا با یکی دو رنگ اضافه ویا کمتر به ائتلافیانشان دست

در دست دارد که خود آنها نیز بنا به شرایطی که اعلام کرده اند، حاضر به رسیدن به این ائتلاف هستند). در ادامه این تحلیل به این نوع ائتلاف هم خواهیم پرداخت.

وضعیت نأسف بار کرونا که بخصوص در آواخر فوریه ۲۰۲۰ در اروپا نیز وسعت پیدا کرد در آلمان هم خسارات جانی و اقتصادی وسیعی را به همراه داشته است. تا اواسط دسامبر امسال این امر موجب بیکاری بیش از ۱,۵۰۰,۰۰۰ از افراد جامعه شده است که رقم کل بیکاران را به ۶ میلیون نفر رسانده است. بیکاران دوره کنونی کرونا ماه به ماه از طرف دولت، □

تولیدی کوچک و میانه، مراکز تولیدی مونتاز، صنایع تولیدی نوشابه و پرسنل دهها هزار مغازه در سراسر کشور به موج بیکاران پیوسته اند. این وضعیت بیکاریها و وضعیت وخیم اقتصادی خیلی از بخشهای طبقه پائین و طبقه متوسط، مواردی هستند که درصد زیادی از آراء را در ماه سپتامبر آینده به طرف احزابی خواهد کشاند که بتوانند سیاستی برای نجات بیکاری این طیف وسیع جامعه را به پیش ببرند.

ناگفته نیست که پیش بینی میشود که موج عظیم ورشکستگی های بخش خدمات خصوصی و خیلی از صنایع تولیدی کوچک و میانی از ماه فوریه ۲۰۲۱ آغاز خواهد شد. ناراضیاتی وسیعی هم که وجود دارد این است که چرا و چگونه دولت قادر است در طی ماههای گذشته میلیاردها ابرو کمک اقتصادی برای نجات شرکتهای خصوصی غول پیکر و بزرگی همچون شرکتهای هواپیمایی، اتومبیل سازی، شرکتهای عظیم کشتیرانی مسافربری پردازد، اما حاضر نیست در بخش خدمات و آموزش و پرورش در بخش درمان و بهداشت و بیمارستانها در بخش مدرسه و مهدکودک نیروهای جدید و تازه نفس را استخدام کند و چرا بخشهای تولیدی و مونتاز و صنایع کوچک و متوسط را حمایت نمی کند؟ چرا ثروت میلیونها و میلیاردها در طی دوران کرونا بیشتر از پیش افزایش یافته اما برعکس بر تعداد فقرا، بیکاران و ورشکستگان جامعه روز بروز افزوده میشود؟ تمامی این مسائل موجب آن خواهند شد اعتراضات و عکس العمل جامعه آلمان را بر آن کشاند که در ماه سپتامبر شکل و شکلهای دیگری از ائتلافها برای تشکیل دولت آینده آلمان ادامه در صفحه ۱۱

"شبح کمونیسم" این بار بر زمینه رشد همه جانبه نیروهای مولده. تکامل ابزارهای تولید. انقلاب عظیم تکنولوژیک و انفورماتیک و رشد و ارتقا آگاهی و همبستگی طبقه کارگر در سراسر جهان و بر زمینه پیکار عظیم اکثریت جامعه بشری علیه ستم و استثمار سرمایه داری به جویان در آمده است.

"از برنامه سازمان اتحاد فدیان کمونیست"

بیکاران کوتاه مدت □ نامیده میشوند که بصورت موقت از طرف دولت هزینه ۵۰ الی ۶۰ درصد حقوق اصلی خود را دریافت می کنند. اما بدون تضمین اینکه ماه آینده این درصد حقوقی خود را دریافت دارند. در کنار این □ بیکاران کوتاه مدت □، صدها هزار نفر از بخش خدمات، همچون پرسنل هواپیمایی، بانکها، دفاتر توریستی، مشاغل مستقل غیردولتی، مترجمین، هنرمندان، هنرپیشه ها، گروه های هنری - تئاتری، تکنیسیهای الکترونیک برق و نور، بخش هتل و رستورانها و راننده گان تاکسی و راننده گان شرکتهای اتوبوس رانی، صنایع

خواهند زد. این ائتلاف میتواند از حزب دمکرات مسیحیها، حزب سوسیال دمکراتها، حزب سبزها، حزب دست راستی و فاشیست (با نام □ آلترناتیو برای آلمان □) با این حزب در حال حاضر هیچکدام از احزاب، حاضر به ائتلاف نیستند - مؤسین و بنیانگزاران این حزب، افراد دست راستی هستند که سالها در حزب دمکرات مسیحیها فعال بوده اند، حزب لیبرالها (به شرطی که ۵٪ آراء را بتواند بدست آورد. ایندوره این حزب سرنوشتی برای بدست آوردن ۵٪ خیلی به هم گره خورده است). حزب چپها (این حزب یک شانس برای ائتلاف داشتن

اطلاعیه مشترک در حمایت از اعتراضات اخیر مردم کردستان عراق و محکومیت سرکوبگری حکومت اقلیم کردستان

از یک هفته پیش موج تازه ای از اعتراضات کارگران و مردم زحمتکش و تنگدست کردستان عراق در اعتراض به فقر و بیکاری، دزدی و فساد گسترده، تعرض به آزادی، عدم پرداخت حقوق و دستمزدهایشان و کمبود خدمات عمومی به راه افتاده است. دامنه این اعتراضات به شهرهای سلیمانیه، کرکوک، چمچمال، رانیه، قلادزه، کلار، سیدصادق، کفری، تکیه، خورمال، گرمیان، پنجوین و ... کشیده شده است و معترضان خواستار برکناری حکومت و احزاب و جریانات فاسد در قدرت هستند. مردم معترض در بعضی از این شهرها دفاتر "حزب دمکرات کردستان عراق"، "اتحادیه میهنی"، "گوران"، "یه کگرتووی اسلامی کردستان" و "کومه ل اسلامی" را به مثابه نماد قدرت و حکومت، به آتش کشیدند. این اعتراضات با خشونت و تیراندازی نیروهای امنیتی وابسته به حکومت اقلیم کردستان مواجه شده است که بر اثر آن متأسفانه حدود به ۱۰ نفر از مردم معترض جان خود را از دست داده و بیش از صد نفر زخمی شده اند. همچنین تعداد زیادی از جمله مسئولان تشکل معلمان دستگیر شده اند. حکومت اقلیم همچنین کانال تلویزیونی "ان. آر. تی" را مورد حمله قرار داده و از پخش برنامه‌های آن به مدت یک هفته جلوگیری به عمل آورده است. "مسرور بارزانی" رئیس دولت اقلیم کردستان اعتراضات مردم را "تلاش برای برهم زدن و ویرانی و آتش زدن و هرج و مرج" نام برده و گفته هدفشان برهم زدن استقرار و آرامش کردستان است و کسانی می‌خواهند از اعتراضات به نفع خود استفاده کنند. او دستور داده که متخلفین را دستگیر و محاکمه کنند.

اعتراضات در کردستان عراق که بیش از دو دهه است تحت حاکمیت احزاب ناسیونالیست کردستان قرار دارد، امر تازه ای نیست. این خروش مردمی است که در زیر سایه "حکومت خودی" هر روز بیش از پیش فقیرتر، محروم تر و تنگدست تر گشته اند. این در حالی است که سران و مسئولان احزاب حاکم که قدرت و حاکمیت را میان خود تقسیم کرده‌اند، همگی به ثروت های افسانه ای دست یافته اند. مردم حق طلب و محروم کردستان عراق مدتهاست این واقعیتها را با خالی تر شدن سفرهایشان و ماهیت سرکوبگرانه حکومت اقلیم درک کرده اند و می بینند که زیر "سایه" حکومت "خودی" روز به روز بر بار مشکلات زندگی و معیشت شان افزوده می شود. جنبش مردم محروم کردستان در واقع همان جنبش نان و آزادی است که عراق و خاورمیانه را فرا گرفته است.

با این حال اعتراضات پراکنده نمی‌تواند تغییر آنچنانی در وضعیت موجود ایجاد کند. جوانان و مردم معترض، معلمان، کارگران و حقوق بگیران برای رسیدن به خواست و مطالباتشان و برای تداوم و هدایت اعتراضات خود، لازم است تشکل های سراسری و نهادهای توده ای از قبیل کمیته های انقلابی و شوراهای محل کار و زیست ایجاد کنند و با سازماندهی خود در آن نهادها مهر موجودیت و اعمال اراده خود را بر اعتراضات بکوبند و بنیان یک حاکمیت مردمی و شورایی را در کردستان بنا نهند. احزاب و جریانات و فعالین چپ و کمونیست باید در این اعتراضات شرکت و حضور فعال داشته باشند و در این راستا ایفای نقش و وظیفه نمایند و موقعیت جریان سوسیالیست در جامعه را تحکیم بخشند. ما نیروهای متشکل در "شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست" حمایت و پشتیبانی بی دریغمان را از خواست ها و مطالبات مردم محروم کردستان اعلام می کنیم و حمله نیروهای حکومت اقلیم را به مردم حق طلب قویا محکوم میکنیم.

زنده باد اعتراضات مردم حق طلب کردستان عراق

زنده باد آزادی، زنده باد سوسیالیسم

۱۹ آذر ۱۳۹۹ - نهم دسامبر ۲۰۲۰

امضاها: اتحاد فدائیان کمونیست، حزب کمونیست ایران، حزب کمونیست کارگری- حکمتیست، سازمان راه کارگر، سازمان فدائیان (اقلیت) و هسته اقلیت



بمناسبت ۱۶ آذر و رزم پایدار دانشجویان انقلابی

شانزدهم آذر امسال شصت و هفتمین سالگرد جان باختن دانشجویان انقلابی دانشگاه تهران، شریعت رضوی، قندچی و بزرگ نیا، درتظاهرات ضد امپریالیستی و آزادیخواهانه دانشجویان در دانشگاه تهران است.

به همین مناسبت ۱۶ آذر هر سال دانشجویان مبارزدر سراسر کشور با تعطیل کلاسهای درس و طرح مطالبات و خواست های صنفی، دموکراتیک انقلابی و سوسیالیستی خود به میدان می آیند تا با تداوم مبارزه، همبستگی خود را با مبارزات کارگران و توده های زحمتکش مردم تحکیم کنند.

در فاصله شانزده آذر ۳۲ تا شانزده آذر ۹۹ جنبش دانشجویی ایران در همراهی با طبقه کارگر و توده های تحت ستم و استثمار صد ها حرکت انقلابی را پشت سر گذاشته است و هزاران دانشجوی مبارز و انقلابی در راه آزادی و سوسیالیسم جانباخته اند.

۱۶ آذر امسال در شرایطی که به پیشوا روز دانشجو میرویم که از یکسو تشدید استثمار و غارت و چپاول مافیای حاکم بر کشور و از سوی دیگر تحریمهای کمربند امپریالیسم آمریکا و کشتار و محدودیت های ناشی از ناتوانی رژیم در مهار ویروس کرونا، دست بدست هم داده اند و زندگی توده های کارگر و زحمتکش را با مشکلات بی شماری مواجه نموده اند. و رژیم حاکم به بهانه محدودیت های کرونایی و "رویارویی" با آمریکا به مطالبات و خواست های کارگران و زحمتکشان پاسخ نمیدهد، اعتراضات و اجتماعات توده های مردم را به شدیدترین وجهی سرکوب

میکند. در حالیکه خطراصلی برای امپریالیستها و از جمله آمریکا، نه وجود رژیم جمهوری اسلامی که به یمن تحریکات آن سالانه میلیارد ها دلار از فروش سلاح به رژیمهای مرتجع منطقه سود میدهد، بلکه خطر بزرگتر برای امپریالیسم آمریکا و سرمایه جهانی رشد و ارتقای جنبش های اجتماعی در ایران است که روز به روز به سمت رادیکال تر شدن و طبقاتی شدن پیش میرود. اعتصابات گسترده کارگران و خیزش عمومی زحمتکشان در ابان ۹۸ که خواستار تغییرات بنیادی در ساختار اقتصادی و اجتماعی و سیاسی ایران بودند، نمایانگر رشد و استحکام جنبش طبقاتی است که هم رژیم جمهوری اسلامی و هم سرمایه جهانی از تداوم آن بیم دارند. جمهوری اسلامی که به خشن ترین وجهی در حال پیاده کردن سیاست های اقتصادی دیکته شده توسط سرمایه جهانی است، همزمان با سرکوب خونین جنبش های اجتماعی رادیکال تلاش میکند نشان دهد که شایسته آن است که از طرف امپریالیست ها و بطور کلی سرمایه جهانی به رسمیت شناخته شده و بقایش تضمین گردد. بنا بر این ضمن هشجاری و مبارزه علیه سیاست های تجاوزکارانه و سلطه طلبانه امپریالیستی در ایران و منطقه میباید احتمال ساخت و پاخت بین امپریالیسم آمریکا و رژیم حاکم، بویژه بعد از روی

کار آمدن "بایدن" در آمریکا را از نظر دور نداشت. زیرا هم سردمداران سرمایه جهانی و امپریالیسم آمریکا و هم طبقه سرمایه دار و دولت اسلامی آن هر دو دشمن جنبشهای اجتماعی و رادیکال در ایران هستند. از دانشجویان مبارز و انقلابی انتظار میرود با هشجاری تمام تاکتیک های مختلف رژیم و جناح های مختلف آن را مدام مورد ارزیابی قرار داده به ارتقای سطح آگاهی و تشکیلیاتی توده های زحمتکش مردم یاری رسانند و با شناخت بیشتری با دشمن غدار به مقابله پرداخته و در عین حال از مصادره بمطوب جنبش های اجتماعی توسط جریانهای وابسته به امپریالیستها و اپوزیسیون فرصت طلب، عوامفریب و ضد آزادی جلوگیری بعمل آورند.

۱۶ آذر تبلور پیوند ناگسستنی مطالبات و مبارزات دانشجویان با مطالبات و مبارزات طبقه کارگر و زحمتکشان ایران است. با تشدید مبارزه برای سرنگونی انقلابی رژیم جمهوری اسلامی و رسیدن به آزادی و سوسیالیسم یاد جانباختگان ۱۶ آذر ۳۲ و همه دانشجویان انقلابی و سوسیالیست را گرامی داریم.

پایدار باد رزم دانشجویان انقلابی
سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی ایران
برقرار باد جمهوری فدراتیو شورائی ایران
زنده باد سوسیالیسم
سازمان اتحاد فدائیان کمونیست

۱۳ آذر ۹۹

گرامی باد ۲۱ آذر هفتادوپنجمین

سالگرد جنبش انقلابی

عرب و بلوچ و غیره همچنان برقرار است . مبارزه علیه ستم ملی با پیکار علیه ستم طبقاتی و جنسیتی درآمیخته است و مبارزه کارگران و زحمتکش در اقصی نقاط ایران به اشکال مختلف برای تحقق خواست های تاریخی شان از جمله رفع ستم ملی و کسب حق تعیین سرنوشت، ادامه دارد .

سازمان ما طرفدار برابری کامل حقوق همه خلق ها و نیز اقلیت های مذهبی ایران است. ما بر این باوریم که خلق های زحمتکش ایران تنها از ستم ملی نیست که رنج میبرند بلکه از ستم طبقاتی و جنسیتی و فقدان آزادی های سیاسی و رفاه اجتماعی و غیره نیز در رنج و عذابند . آنهاست که ستم ملی را روامیدارند، آنهاست که با تشدید استثمار شیره جان کارگر ترک و کرد و لر و بلوچ و ترکمن و عرب غیره را میمکند و از راه رانت خواری، فساد، دزدی، نپرداختن حقوق کارگران و کارمندان، ویرانی کشاورزی و به فقر و آوارگی کشاندن روستائیان و ترویج فساد، اعتیاد و نفی حقوق زنان، کودکان، بزور سرنیزه و سرکوب بر ایران حکومت میکنند، صاحبان قدرت و ثروت و بقول معروف "مافیای قدرت و ثروت" هستند که تنها با اتحاد کارگران و زحمتکش و همه جنبش های انقلابی از جمله جنبش رفع ستم ملی است که میتواند با سرنوشتی انقلابی این رژیم میتواند مافیای قدرت و ثروت را از اریکه قدرت به زیر کشیده و با استقرار جمهوری فدراتیو شورائی، سرنوشت خویش را در دست گیرند.

در هفتاد و پنجمین سالگرد تشکیل جمهوری خود مختار آذربایجان یاد تمام جانباختگان این جنبش انقلابی تاریخی را که در راه آزادی و برابری جان فدا کردند، گرامی میداریم و همراه با کارگران و زحمتکش آذربایجان و در همبستگی با سایر خلق های تحت ستم و استثمار ایران به مبارزه تا رسیدن به خواستها و آماج های تاریخی آنها، ادامه خواهیم داد .

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی برقرار باد جمهوری فدراتیو شورائی

زنده باد سوسیالیسم

سازمان اتحاد فدائیان کمونیست

۲۱ آذر ۱۳۹۹

داشتن مسکن مناسب و تاسیس مهد کودک ها و قرائت خانه ها
- آزادی اندیشه و بیان و مطبوعات و انتشارات و تشکل و تحزب
- کشیدن جاده ها، آسفالت خیابانها و نوسازی کارگاه ها و کارخانه ها و ایجاد صنایع مدرن
۲۱- آذر تفرقه و دشمنی بین خلقها که ارتجاع حاکم در همدستی با روحانیون و دربار برای حفظ منافع خود بوجود آورده بودند، پایان داد و پایه و اساس دوستی بین ملل ساکن ایران را بنا نهاد و با خلق زحمتکش کرد معاهده دوستی و همکاری در جهت دگرگونی جامعه به نفع توده های زحمتکش امضاء کرد..

و تلاش در این جهت بود که جنبش انقلابی آذربایجان در سرتاسر ایران و منطقه با استقبال توده زحمتکش مواجه شد. هر چقدر که این جنبش بواسطه دست آوردهایش میان توده زحمتکش و جریانات مترقی محبوبیت مییافت، به همان اندازه ارتجاع حاکم و امپریالیست ها را به هراس افکنده بود و در ترس از الگو قرار گرفتن جنبش انقلابی آذربایجان در سایر مناطق ایران و کشورهای همجوار، با آن بدشمنی برخاستند.

سرانجام امپریالیسم و ارتجاع داخلی و تمام مرتجعین از هر قماش که منافع خود را در خطر میدیدند، متحد شدند و به بهانه برگزاری "انتخابات" تمام تعهدات خود را زیر پا گذاشته و به آذربایجان یورش آوردند. بعد از آن به کردستان تاختند. ارتش شاهنشاهی دست در دست خانها و فنودال ها و سران ایلات و عشایر و روحانیون و ارازل و اباش و تبهکاران فجایع خونینی را بوجود آوردند که توده های زحمتکش آذربایجان و کردستان هرگز فراموش نخواهند کرد.

امروز با گذشت هفتاد و پنج سال از 21 آذر، ستم ملی و استثمار و بی حقوقی خلق های تحت ستم و استثمار آذربایجان، کردستان

۲۱ آذر امسال هفتاد و پنجمین سالگرد جنبش انقلابی و دموکراتیک آذربایجان است. جنبشی که به همت کارگران، دهقانان، روشنفکران و توده محروم آذربایجان، در یکی از بحرانی ترین ادوار تاریخ ایران بوقوع پیوست و به پیروزی رسید. بعد از شکست انقلاب مشروطیت و تسلط استبداد رضاخانی و سرکوب هرگونه صدای آزادیخواهی در ایران، قیام توده های زحمتکش آذربایجان اولین جنبش انقلابی بود که بر علیه ستم و استثمار و سرکوبگری طبقه حاکم بر خواست از نقطه نظر مضمون عمیقاً دموکراتیک انقلابی و آزادیخواهانه و برابری طلبانه نمونه ای پیشرو نه تنها در عرصه ایران بلکه کل خاورمیانه محسوب میشود.

در مدت کوتاه استقرار حکومت خودمختار آذربایجان تغییرات گسترده ای در عرصه های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی رخ داد.

- برای اولین بار در ایران و منطقه، آزادی زنان از بند قوانین زن ستیز دولتی و مبارزه با سنت های ارتجاعی زن ستیز آغاز شد . در آذربایجان زنان حق انتخاب کردن و انتخاب شدن در مجالس ملی، انجمن ها و یا همان شوراهای ایالتی و ولایتی و تمام ارگانهای شهر و روستا با حقوق برابر با مردان را کسب کردند.

- انجام اصلاحات ارضی و تامین زیر ساختهای نوین برای ارتباط روستاها و شهرها ،

- تاسیس دانشگاه و ایجاد کتابخانه ها، پارک ها و مراکز آموزش

- تحصیل بزبان مادری در تمام مقاطع تحصیلی که در محدوده حکومت آذربایجان این حق شامل سایر اقلیت ها از جمله کردها، ارمنی ها، آسوری ها نیز میشد

- تصویب قانون کار و بیمه های اجتماعی همه شمول و تصویب روزکار 8 ساعته و تامین برابری مزد زنان با مردان، حق کار و



اطلاعیه مشترک - تأمین واکسن کرونا و ارائه رایگان آن، خواست فوری طبقه کارگر است!

شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست ضمن محکوم کردن بی مسئولیتی و تناقض گوییهای سردمداران رژیم در برابر سلامت و ایمنی توده های مردم ایران و بویژه کارگران و تهیدستان جامعه که به علت فقر و تنگدستی از قربانیان اصلی اپیدمی کرونا هستند، تأمین واکسن و ارائه رایگان به مردم را یک خواست فوری و عاجل می داند و از بیانیه مشترک نوزدهم آذر ماه، هفت شکل صنفی که اعلام کرده اند: «تأمین و در دسترس قرار دادن فوری، عمومی و رایگان واکسن کرونا خواست آتی، مبرم و جدی مردم و وظیفه ی حیاتی حکومت نسبت به عموم ساکنان این سرزمین است» و همچنین از بیانیه روز بیست و پنجم آذر ماه، پنج شکل و نهاد کارگری که در مورد لایحه بودجه دولت انتشار داده اند و در آن تأکید کرده اند: «واکسیناسیون (کرونا) مورد تایید سازمان بهداشت جهانی از ضروریات فوری مردم است. باید هزینه آن در اولویت اول ردیف بودجه قرار گیرد» پشتیبانی می کند و همه فعالین و تشکل های جنبش های اجتماعی را فرا میخواند که فعالانه از این خواست دفاع و پشتیبانی کنند.

سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی

زنده باد آزادی، زنده باد سوسیالیسم
۲۷ آذر ۱۳۹۹ - ۱۸ دسامبر ۲۰۲۰

ملزومات آن از قبیل تهیه ماسک و مواد ضدعفونی کننده رایگان برای عموم بی توجه بوده اند. اگر کشورهایی که این موارد را رعایت و عملی کردند، تا حدود زیادی شیوع ویروس کرونا را به کنترل درآوردند، اما در ایران تحت حاکمیت رژیم جمهوری اسلامی، این موارد به دلیل نداشتن یک سیاست روشن در مقابله با بحران کرونا، زیر ساخت ضعیف بهداشتی و درمانی توأم با فساد نهادینه شده در ارگان ها و نهادهای حکومتی، ضعف مدیریت و وجود مراکز مختلف تصمیم گیری، دست به دست هم داده و بحران کرونا را به فاجعه ای هولناک تبدیل کرده است.

اگر در بسیاری از کشورها و بویژه در اروپا در مورد تولید واکسن و میزان مؤثر بودن آن، در مورد خرید و رزرو واکسن و مرحله بندی کردن واکسیناسیون شهروندان خبر رسانی می شود و این کار آغاز شده است، در ایران مقامات حکومتی در این مورد هم به تناقض گویی و دروغ پردازی روی آورده اند و به بهانه های مختلف از جمله به امکان یا عدم امکان انتقال ارز برای خرید واکسن به خاطر تحریم ها و... از ضرورت تأمین این واکسن طفره می روند. این در حالی است که رئیس اتحادیه واردکنندگان داروی ایران می گوید برای انتقال ارز به خارج و واردات دارو و اقلام پزشکی هیچ مشکلی وجود ندارد. این تناقض گویی ها و تعلل آشکار در خرید واکسن نشانه آن است که دولت تاکنون برای تهیه این واکسن نه تصمیمی گرفته و نه بودجه ای اختصاص داده است.

قربانیان ویروس کرونا در ایران هر روز بیشتر می شوند و بی مسئولیتی رژیم جمهوری اسلامی آشکارتر و توده های مردم به ستوه آمده تر! هنوز هیچ نشانه ای از تلاش جدی و برنامه ریزی دست اندرکاران رژیم برای مقابله با گسترش شیوع این ویروس و کنترل آن وجود ندارد. بر اساس آمار رسمی وزارت بهداشت که تنها انعکاس بخشی از واقعیت است، شمار جانباختگان این بیماری در ایران به بیش از «پنجاه و سه هزار نفر» رسیده است و بیش از «یک میلیون نفر» نیز به کرونا مبتلا شده اند و به رغم تلاش خستگی ناپذیر و جانفشانی های کادر پزشکی و پرستاران اوضاع بسیار فاجعه بار است.

سران رژیم از همان ابتدا به پنهان کاری عامدانه در مورد حقایق مربوط به زمان انتقال این ویروس و ابعاد شیوع آن پرداختند و این بی مسئولیتی را در طی یک سال که این ویروس گسترش پیدا کرده، همچنان ادامه داده اند. دست اندرکاران رژیم به ملزومات پیشگیری از قبیل آزمایش گسترده از افراد برای جلوگیری از گسترش کووید ۱۹، جداسازی آنهایی که علائم ابتلاء به ویروس را نشان می دهند، ردیابی تماس و قرنطینه کسانی که در تماس نزدیک با فرد مبتلا بوده اند و بستری کردن افراد نیازمند مراقبت های ویژه، فراهم کردن ملزومات و تعطیلی مدارس و کارخانه ها و مؤسسات صنعتی و خدماتی که در آنها چرخه تولید جنبه حیاتی ندارد، قرنطینه شهرها و مراکز عمومی؛ رعایت دستورالعمل های بهداشتی و تأمین

انتخابات پارلمان آلمان در ماه سپتامبر ۲۰۲۱

شکل بگیرد. شکل و شکلهای ائتلافی که در بهبود وضعیت زندگی مردم تغییرات آنچنانی بوجود خواهند آورد! در ادامه این مطلب به ائتلافهای مختلف و رنگارنگی که امکان شکل گرفتن آنها وجود دارد، خواهیم پرداخت. به این مسئله نیز بایستی اشاره کنیم که در تاریخ انتخابات پارلمان آلمان این برای اولین بار است که شکل و ائتلافهای مختلف و رنگارنگ برای تشکیل دولت آینده میسر شده است. مسئله ای که دو حزب حاکم دهه های گذشته و حاکم فعلی یعنی دمکرات مسیحیها و سوسیال دمکراتها را باب میل نیست.

قبل از اینکه به مورد بحث در باره شکلهای گوناگون ائتلافهای احزاب برای تشکیل دولت "جدید" آلمان برسیم، در اینجا کوتاه به تعداد نماینده گان مجلس آلمان می پردازیم.

پارلمان آلمان نسبت به جمعیت کشور که رقم ۸۳ میلیونی را داراست در حال حاضر نسبت به درصد جمعیتی که دارد بزرگترین پارلمان دنیا را به خود اختصاص داده است. این امری است که بر میگردد به دوران بعد از جنگ دوم جهانی که حاکمان آنوقت آلمان، حزب دمکرات مسیحیها و سوسیال دمکراتها با باقتانینی که به وضع کردند، توانستند نماینده گان خود را بیشتر از هر کشور دنیا از حوزه ها، ناحیه ها و شهرها و استانهای مختلف رهسپار پارلمان کرده و از این طریق پایه های پارلمانی خود را مستحکمتر نمایند. در حال حاضر ۷۰۹ نفر در پارلمان آلمان از طرف ۶ حزب بر روی

صندلیهای پارلمانی خود به کرسی نشسته اند. این تعداد کثیر نماینده گان در پارلمان مدتهاست مورد نقد خیلی از افراد جامعه، محققین، جامعه شناسان و مجامع و سازمانهای مستقل اجتماعی و احزاب مترقی شده است. ادامه این انتقادات، دو حزب دمکرات مسیحیها و سوسیال دمکراتها را زیر سوال برده است، چرا که آنها تا به امروز حاضر به تغییر ضوابط و مقررات برای عضویت اعضای مجلس نبوده اند، چرا که، این امر به پائین آوردن تعداد نماینده گان آنها را منجر خواهد شد. این نماینده گان در حین پروسه چهار ساله نماینده گی مجلس ماهانه بیشتر از ۱۲ هزار اورو حقوق دریافت میکنند و اضافه بر حقوق ماهانه از بورسها و مزایای پارلمانی نیز استفاده میکنند. همچنین اگر در صورتیکه این نماینده گان در دوره های بعد، نماینده گی مجلس را به هر دلیلی از دست بدهند، دائم العمر با کمی تفاوت، همان حقوق ماهانه را تا موقع فوت همچنان دریافت خواهند کرد. امروز هم در کنار سوسیال دمکراتها و دمکرات مسیحیها، حزب سبزها، لیبرالها و همچنین حزب دست راستی - فاشیستی "آلترناتیو برای آلمان" حاضر نشده اند برای کاهش نماینده گان پارلمان در برلین و یا در سطح پارلمانهای ایالتی، لایحه ها و قوانین جدید را به تصویب رسانند. در ضمن، حقوق ماهانه اعضای پارلمانهای ۱۶ ایالات آلمان، بیش از ۸ هزار اورو در ماه میباشد.

وضعیت سیاسی امروز حزب سوسیال دمکراتها نشان میدهد که این حزب با تحولات چند سال اخیر، در صد چشمگیری

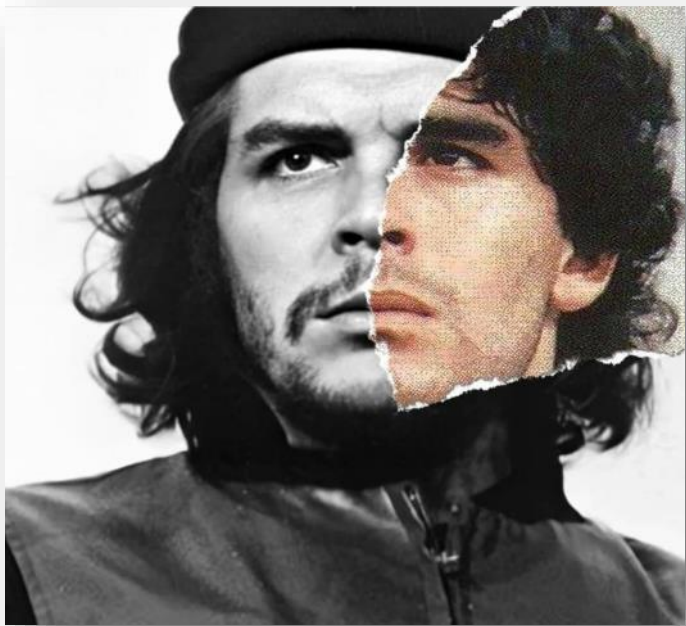
از آراء خود را چه در سطح انتخابات ایالتی و چه در سطح انتخابات پارلمانی کشور از دست داده است. این حزب با ائتلاف چندین ساله با دمکرات مسیحیها، قوانینی را چه در سطح داخلی و چه در سطح بین المللی به تصویب رسانده اند که موجب ناراضایتی اعضاء این حزب و موجب پشت کردن رأی دهنده گانی شده است که سالها به این حزب رأی میداده اند. از جمله تقویت سیاست لیبرالیسم نو و تأسیس و تأیید شرکتهای دلالی کار برای فروش نیروهای کار ارزان و همسویی این حزب به هر قیمت ممکن برای ائتلاف با دمکرات مسیحیها برای تشکیل دولت در سالهای گذشته، عواملی بوده و هستند که این حزب را به جایی رساند که در انتخابات پارلمانی سه سال پیش در سال ۲۰۱۷ تنها رقم ۲۰ درصد آرا را توانستند برای رسیدن به مجلس بدست آورند. حدوداً ده ماه مانده به انتخابات سپتامبر ۲۰۲۱، در تخمینی که از طرف محققین آراء، جامعه شناسان و روزنامه نگاران مستقل داده میشود، در حال حاضر این حزب فقط ۱۶ درصد از آرا را میتواند کسب کند.

ادامه دارد

تفسیر و تحلیل مختصر در باره احزاب دیگر در آلمان و بررسی چگونگی ائتلاف احزاب موجود برای تشکیل دولت آینده را در شماره بعدی کار کمونیستی ملاحظه خواهید نمود.

بخش انترناسیونال اتحاد فدائیان کمونیست
آذر ۹۹

به یاد دیه گو آرماندو مارادونا



چند روزی ست از مرگ ناگهانی دیه گو آرماندو مارادونا میگذرد. بدون شک جای آن دارد یاد این فوتبالیست نام آور را به قلم آورد و درباره وی یادبودی نوشت. مارادونا از خانواده بسیار فقیری بود که در گوشه ای از محلات فقیرنشین بوینس آیرس بدنیا آمد. خیلی زود در کوچه پس کوچه های این محله فقیرنشین مارادونا نشان داد که از چه استعدادی برای فوتبالست بودن برخوردار است. در دوره حکومت نظامی فاشیستی آرژانتین که دهه ۴۰، ۵۰ و ۶۰ شمسی قدرت مرگ و شکنجه را در این کشور گسترش داده بود، مارادونا در سن ۱۵ سالگی به اولین کلوپ ورزشی وارد شد و در تیم ملی آرژانتین نیز یکی از پایه های ثابت و سنگین این تیم را بعهده گرفت. امری که حکومت نظامی کودتاگر آرژانتین توانست تا مدت اندکی از این فوتبالیست نوجوان بعنوان سمبل ناسیونالیستی سوءاستفاده های سیاسی نماید. اما بعدها مارادونا خود را از هوجبگریهای حکومت دیکتاتوری نظامی رها کرد و برای ادامه فوتبال راهی اروپا شد و به تیم ناپل در ایتالیا پیوست. مارادونا در اوج دوران جوانی خود، هشت سال در تیم ناپل به فوتبال ادامه داد و این تیم ایتالیایی را برای اولین بار در صدر باشگاههای ایتالیا و اروپا کشاند. درجه ای که تا به امروز این تیم دیگر به خود ندیده است. دوران هشت ساله اقامت

هشت سال فوتبال در ناپل، شکسته شده مجبور به ترک ایتالیا شود و به آرژانتین برگردد. عواقب معنادار بودن، اثرات جسمی و روحی سختی را برای این ورزشکار بوجود آورد. با این وجود مارادونا همچنان و همواره محبوبیت ورزشی و انسانی خود را در قاره امریکای لاتین و دیگر نقاط دنیا به جا داشت! در آثار، مصاحبه ها و سفرهایی که وی در امریکای لاتین، به بولیوی به اکوادور به ونزوئلا و به کوبا (در این کشور بیش از چند ماه مورد معالجه پزشکی قرار گرفت) داشت، هیچگاه از اظهارات و نظرات ضدامپریالیستی خود پرهیز نکرد و همواره و آشکار از مبارزات ضدامپریالیستی خلقهای امریکای لاتین دفاع کرد! مارادونا که بر روی بازوی

مارادونا در ناپل (پایگاه و مقر اصلی مافیا در ایتالیا) بدور از تماسهای مافیا با مارادونا نبود. مافیا از محبوبیت، تخصص و استعداد ورزشی مارادونا بی خبر نبود و برای اولین بار در این سالهای اقامت این ورزشکار، این سازمان مواد مخدر، سازمان استعمار، سازمان رشوه و قتل که تا به امروز دست در دست سیاستمداران ریز و درشت سرمایه همچنان فعالیت دارد، با ارتباط مستقیم و غیرمستقیم با مارادونا که جوانی ۲۲ ساله بیشتر نبود وی را به دام و چنگال مواد مخدر، الکل و کازینو کشاند و استفاده های کلانی را از محبوبیت این جوان نمود که به مرور بعد از چند سال، ضربه های جسمی و روحی و خیمی را به مارادونا وارد کرد که این امر سبب شد که مارادونا بعد از

ستون طنز



این "وردنه" از آن وردنه ها
نیست!!
طنناز مهدقلی زاده:

همه بیاد داریم که اوائل سال که کرونا از مهار سانسور خبری در آمد و با سرایت و کشتاری وقفه جهره نمود، فرماندهان سپاه بانمایش مضحکی وسیله ای مشابه وردنه را روبه دورین صدا و سیما و خبرنگاران گرفتند ومدعی شدند که این وردنه پیشرفته ترین دستگاه کرونا یاب ساخت دست بشر برای تشخیص این ویروس کشنده ومهاجم از فاصله چند ده متری است! بعد هم رجز خانی شروع شد که بعلی؛ درمهار کرونا از کشورهای پیشرفته هم پیشرفته تر هستیم وبزودی ریشه این کرونای لعنتی را خواهیم خشکاند.

البته که مردم از این قمپز در کوردهای سپاه فراوان دیده اند ومیبینند، اما بودند افرادی که امیدی دردلشان روشن شده بود و میگفتند اگر درصدی هم این ادعای بالاترین مقام سپاه درست بوده باشد، چی؟! باز هم از هیچ چی که بهتر است. اما بعد از این که ماه ها از نمایش دستگاه گذشت وروز به روز به کشته ها و بیماریهای ناشی از کرونا افزوده شد، زیدی تاب مقاومت نیاورد ودر جائی یقه جناب فرمانده کل را گرفت: که ای برادر این دستگاه شما پس کجاست که کرونا دما را از روزگار مردم در آورده است. وفرمانده کل سپاه که نفس در گلوش گیر کرده بود رو به مردم کرد وگفت این آقا مثل اینکه در خواب بوده یا به جائی از استکبار وصل است وگرنه حرفهای مرادر آن نمایش تحریف نمیکرد. هر چند که منتقد یواش یواش خود را در میان جمعیت گم وگور کرد تا گرفتار چشم فرمانده نشود اما فرمانده کلاً بر طرف را به اب داده بود، ادامه داد:

آقا ما گفتیم که این دستگاه اختراعی ما از آن وردنه ها نیست وخیلی پیچیده وپیشرفته است. ودانشمندان آنها تابحال چندین مرتبه با ما تماس گرفتند که فنون ساختن این وردنه را به آنها هم یاد بدهیم. این وردنه در عمق استراتژیک کار میکند تا کرونا به مرزها نرسد! اگر درصد این دستگاه نبود ما جلوی تهاجم کرونا از سوی استکبار جهانی وسهیونیسیم بین الملل را نمیتوانستیم بگیریم!! زیدی دیگر سر رسید وپرسید: قربان در بین کشورهای گرفتار کرونا در جهان که کشور ما جزو بدترین هاست. سردار ابرودرهم کشید وگفت: مگر نمیدانی اینها از طریق ماهواره و با استفاده از پیچیده ترین وسائل الکترونیکی خودکار کرونا را در سراسر ایران میباشند و ما بموقع ودر جای خود به آنها چنان ضربه ای میزنیم که در خواب هم ندیده باشند.

راست خود خالکوبی چه گوارا را ثبت کرده بود، هیچگاه واهمه ای از اظهارات انسانی و یکپارچگی نداشت! در روز ۲۵ ماه نوامبر مرگ ناگهانی دبه گو مارادونا نه تنها مراسمهایی به یادبود وی در آرژانتین و دیگر نقاط دنیا برگزار شد بلکه این امر هم در هاوانا مورد تأثر و نأسف بیشتری قرار گرفت چرا که مارادونا در روزی چشم از جهان بست که در همین روز در ۲۵ نوامبر دوست نزدیک وی فیدل کاسترو نیز در چهار سال پیش در سال ۲۰۱۶ چشم از جهان فرو بست. بهمین خاطر مرگ دبه گو در کوبا تجدید و خاطره ای ست که همچون گذشته این دو دوست را بیشتر از پیش به هم نزدیک کرده است!

مارادونا بنابه تفسیرها و واقعتهایی که در تمامی امریکای لاتین در باره وی بر سر زبانها هست، فردی بود با رویاها و ایده آل های انسانی، طغیانگر واقعی، یک هوادار امیدواری و برابری همراه با لبخندهایی پر از همبستگی! مارادونا در سال گذشته با کودتایی که در اکتبر ۲۰۱۹ در بولیوی بر علیه اوو مورالس صورت گرفت، علیه کودتاجی ها موضع گیری واضح وعلنی گرفت و در گفتارهایش بدون هیچ تأمل و تعللی این ضد دمکراتها وعوامل امپریالیست و ارتجاع را محکوم کرد!

بخش انترناسیونال سازمان اتحاد فدائیان کمونیست

۲۸. نوامبر ۲۰۲۰

(انقلاب ایران و وظایف پرولتاریا)

تغییر و تحولات سیاسی، اقتصادی و

اجتماعی در دوره حکومت رضا خان

بخش اول

قرار داشت. بورژوازی ملی تا جایی که به کمپرادور استحاله نیافته بود در زمینه اقتصادی، سیاسی و موقعیت ایجاد شده، سرمایه خود را هم در بخش صنعت و بخشهای سودآورد دیگر بکار انداخته و سودهای کلانی را به جیب میزد و موقعیت جنگی نیز در تقویت او عمل می نمود.

بطور کلی می توان گفت که در مقطع پایان جنگ جهانی دوم و اوایل ۱۳۲۰ صف بندی نیروها در داخل عبارت بود از اشراق زمیندار، مالکین و فئودالها، بورژوازی کمپرادور و اقشار بالائی بورژوازی ملی که توسط امپریالیستها حمایت می شدند و دستگاه دولتی و دیکتاتوری رضاخان به آنها متکی بود. در مجموع اوضاع بین المللی تخفیف تضادهای امپریالیستها در داخل بدلیل تسلط انحصاری امپریالیسم انگلستان، شکست و عقب نشینی جنبش انقلابی، اجرای برخی فرمها، کلا به وحدت و انسجام طبقات ارتجاعی و ضد انقلابی کمک کرده و موقتا تضاد بین آنها را مسکون میگذاشت در سوی دیگر طبقه کارگر که از لحاظ کمیت رشد یافته بود ولی از لحاظ کیفیت سازمانهای حرفه ای آن (بجز برخی اتحادیه های کارگری که در خفا کار می کردند) تشکیلات حزبی آن در هم شکسته شده بودند، شدیدتر از هر زمان دیگر مورد استثمار قرار داشتند

کرد، کارگاههای کوچک و مانوفاکتوری نسبتا رشد کردند، برخی از کارخانه های تعطیل شده براه انداخته شدند، از جمله خود رضا شاه برخی از کارخانه های را که بحالت تعطیل در آمده بودند خریداری کرد و براه انداخت و برخی دیگر را تاسیس کرد.

در این دوره رضاخان با حمایت نسبی از سرمایه داری در مقابل تعدی فئودالهای محلی، ایجاد انحصارات تجارت خارجی، برقراری حمایت گمرکی، تاسیس ثبت اموالک، بظاره امنیت را برقرار مرد. از این لحاظ نیز اطمینانی برای سرمایه گذاری داخلی بوجود آمد. بدین ترتیب صنایع و تولیدات داخلی طی دهه بیست نسبتا رشد یافت، در کنار ایجاد کارخانه های مهمات سازی، اسلحه سازی، تاسیسات راه آهن، سیلواها، جاده ها سازی و غیره، طبق آمار بانک ملی، تعداد شرکتهای به ثبت رسیده از ۹۳ به ۱۷۳۵ عدد و سرمایه آنها از ۱۴۳ به ۱۸۶۳ میلیارد ریال افزایش یافت. گذشته از این در خلال جنگ سرمایه داران جدیدی نیز متولد شدند که سرمایه خود را از راه احتکار، دلالی، برپا کردن هتلها و عشرتکده ها، رتق و فتق برخی از امور خدماتی قشونهای متفقین و غیره، بدست آورده بودند، سرشته و سرگردگی اینها در دست کمپرادورها، اشراف و ملاکین بزرگ

دوران حکومت رضا شاه که با قدرت یابی و تمرکز قدرت مرکزی و سیستماتیزه شدن دستگاههای دولتی اعم از ماشین سرکوب بوروکراسی و غیره مشخص می شود، با اعمال دیکتاتوری و تحت سیاست و کمک امپریالیسم انگلیس، دستگاه دولتی را بر پایه معیارهای بورژوائی تجدید سازمان داد، دستگاه دیکتاتوری رضاشاه بتدریج که شکل می گرفت، ضمن انطباق با منافع امپریالیستها و ملاکین و کمپرادورها که بدانها متکی بوده و پایگاه طبقاتی آنها تشکیل می دادند، زمینه ای را فراهم می کرد تا بتواند سرمایه اضافی را در بخش تولید داخلی، بمنظور برطرف کردن برخی نیازمندیهای جامعه که لازمه رشد و گسترش سرمایه خارجی، کالاهای وارداتی و محصولات کشاورزی و غیره بود بکار اندازد، این امر بالاخص بعد از تحکیم پایه های دیکتاتوری و سرکوب جنبشهای توده ای یعنی دهه دوم حکومت رضا خان که همزمان با فروکش انقلاب در سطح جهانی و قدرت یابی فاشیسم توام بود، تسریع شد (۱۱۵) و با شروع جنگ جهانی دوم، درگیری امپریالیستها بالاخص امپریالیسم انگلیس در این جنگ و محدودیت تجارت خارجی در شرایط جنگ، نیاز به تولید داخلی و ... بخش قابل توجهی از سرمایه ها را بسوی صنایع و تولیدات داخلی روانه

بطوری که در عرض ده سال میزان حقوق و دستمزد آنها کوچکترین تغییری نگرده بود. دهقانان که اکثریت جامعه را تشکیل می دادند نه تنها توسط اربابان فئودال، اشراف و ماموران دولتی استثمار می شدند، از طرف سرمایه داران و کمپرادورها و غیره نیز مورد ستم و استثمار وحشیانه ای قرار داشتند. اینها ستون فقرات و نیروی اصلی جبهه انقلاب را تشکیل می دادند که بخش وسیعی از خرده بورژوازی و سایر زحمتکشان خلقی را نیز که تحت ستم مناسبات حاکم قرار داشتند با خود همراه داشتند، از جمله در این دوره برعکس دوران اول، به جز خرید و فروش کنندگان و کسبه جزء که قاعده هرم بازرگانی و سرمایه تجاری را تشکیل می دادند و اصولاً همیشه تحت ستم غارت قرار دارند، کلا سرمایه بازرگانی در چارچوب موقعیت ویژه فوق الذکر امکان کسب سود و تاسیسی منافع خود را بدست آورده بود، بنابراین من حیث المجموع نمی توانست در صف انقلاب قرار گیرد و اکثریتی از آنها لااقل در آن شرایط خواستار تحول نبودند. در این دوره اگرچه با پیدایش و رشد طبقات نوین اجتماعی و گرایش دیکتاتوری رضاشاه به جانب فاشیسم و افراد او نزد افکار عمومی داخلی و بین المللی و بهم خوردن توازن نیروها و سیاست داخلی و خارجی او همواره با بحران اقتصادی و اجتماعی، تضادهای درون جامعه را تشدید نموده، و زمینه تحولات اساسی را فراهم کرده بود، اما مجموعه این تضاد و تناقضات داخلی (بدلیل متعددی که در صفحات قبل بدانها اشاره کردیم) قادر نبود به تنهایی وضعیت موجود را دگرگون سازد، لذا عوامل خارجی به اعتبار عوامل داخلی

نقش اساسی در دگرگونیهای جامعه عمده آن اشاره می کنیم:

جنگ جهانی دوم و نتایج آن: جنگ جهانی دوم، گذشته از خصوصیات اصلی آن که همانا از خصوصیات عصر امپریالیسم و تضادهای ذاتی نظام سرمایه داری ناشی می شد، و از این نظر با خصوصیات اصلی جنگ اول جهانی مطابقت داشت اما در عین حال واجد ویژگیهای نوینی بود که آنرا از جنگ جهانی اول متمایز می کرد، در حالیکه جنگ اول صرفاً جنگ بین دو گروه از کشورهای امپریالیستی و بخاطر مطامع امپریالیستی و تجدید تقسیم جهان به مناطق تحت نفوذ صورت می گرفت، جنگ جهانی دوم صرفنظر از انگیزه های اصلی و اولیه آن، در پروسه تکامل خود، به جنگ بین کشور اتحاد شوروی سوسیالیستی و گروهی از کشورهای امپریالیستی متفق آن (امریکا و انگلیس و فرانسه) از یک طرف و کشورهای فاشیستی آلمان، ایتالیا و ژاپن از سوی دیگر تبدیل شده بود. هجوم افسار گسیخته فاشیسم که استقلال کشورهای بزرگی نظیر فرانسه، انگلستان و امریکا را نیز مورد تهدید قرار داده و حتی به اشغال قسمتهائی از خاک دو کشور از سه کشور فوق منجر شده بود، (صرفنظر از اهداف اولیه و اصلی این سه کشور) این امر آنها را در دفاع از استقلال خود در مقابل فاشیسم قرار می داد، از طرفی متحد دیگر آنها یعنی اتحاد شوروی سوسیالیستی نیز ضمن دفاع از استقلال و موجودیت سرزمین شوراها و حکومت دیکتاتوری پرولتاریا از استقلال و آزادی تمام ملل جهان از زیر یوغ فاشیسم و بردگی به پیکار دست زده و در اتحاد با سه کشور فوق الذکر نیروی متفقین را در مقابل جبهه فاشیسم تشکیل

می دادند. از این رو این خصوصیات ویژه به جبهه متفقین و پیکار آنها در چارچوب این جبهه، جنبه عادلانه می داد، معهداً نتایج این جنگ (باز هم صرفنظر از خرابی، فلاکت و کشته شدن میلیونها انسان در سراسر جهان) نمی توانست تأثیرات شگرفی در سرنوشت ملل جهان، از جمله خلقهای تحت ستم ایران بجای نگذارد. در جنگ جهانی اول نیز کشور ما مورد ناخت و تازنی روهای بیگانه قرار گرفت (ما در صفحات قبل نتایج اشغال ایران توسط نیروهای امپریالیسم روس و انگلیس از یک طرف و آلمان و متحدان و دولت عثمانی از طرف دیگر را مورد بررسی قرار دادیم) اما برخلاف جنگ اول و ورود قشون متفقین به ایران (۱۱۶)، بالاخص ارتش پیروز شوروی تأثیرات دگرگون کننده ای در اوضاع سیاسی، اجتماعی داخل و روابز و مناسبات بین المللی آن بجای گذاشت. ادامه در شماره بعد.

نشریه **راه سرخ** ارگان فعالین داخل کشور سازمان اتحاد فدائیان کمونیست . راه سرخ صدای کارگران و زحمتکشان و تمامی کسانی است که به مبارزه برای سرنگونی انقلابی رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی و نفی هرگونه استثمار و کارمزدی باور داشته و در این راه از هیچ چیز دریغ نمی نمایند. از طریق ایمیل ادرس :

Rah_sorkh@yahoo.com

نظرات، پیشنهادات و انتقادات خود را با دست اندرکاران نشریه در میان بگذارید .

نشریه سیاسی و تحلیلی
کارکمونستی علاوه بر انعکاس
مواضع، نظرات و تحلیل های
سازمان، انعکاس دهنده مسائل
سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و
فرهنگی و تاریخی از منظر
دیدگاه های مختلف نیز هست.
تحریریه نشریه از میان مطالب
رسیده انتشار مطالبی را انتخاب
و در الویت قرار خواهد داد که
مستقیماً برای این نشریه ارسال
شده باشند لذا انتظار داریم
انعکاس این مطالب در سایر
نشریات و سایت ها با ذکر منبع و
نام نویسنده صورت گیرد. از
طریق ایمیل آدرس زیر
نظرات، پیشنهادات و انتقادات
خود را با در میان بگذارید.

kar@fedayi.org

کارکمونستی آخر هرماه زیر نظر
هیئت سیاسی سازمان اتحاد فداییان
کمونست منتشر می شود.
برای تماس با سازمان اتحاد فداییان
کمونست و یا ارگانهای آن با یکی
از آدرسهای زیر تماس بگیرید:

روابط عمومی

webmaster@fedayi.org

کمیته کردستان

Kurdistan@fedayi.org

کمیته آذربایجان

azer@fedayi.org

کمیته تهران

Tehran@fedayi.org

کمیته کرچ

karj@fedayi.org



بمناسبت دویستمین سالگرد تولد فردریک انگلس و همرزم مارکس و آموزگار پرتاریا

”آگاهی نیست که زندگی را تعیین می کند، بلکه زندگی است که آگاهی را تعیین می کند.”

در نتیجه ”افکار طبقه غالب همیشه افکار غالب [در جامعه] است، به این معنا که طبقه ای که قدرت مادی مسلط در جامعه است، در عین حال قدرت معنوی مسلط هم است. طبقه ای که وسایل تولید مادی را در تملک و اختیار خود دارد، بنابراین، در عین حال، وسایل تولید معنوی را نیز در اختیار دارد، به گونه ای که همزمان، افکار آنانی که فاقد ابزار تولید معنوی اند، به طور کلی، تحت تأثیر افکار مسلط قرار دارد.”
از کتاب ”ایدئولوژی آلمانی کارمشرک مارکس و انگلس“



کار . مسکن . آزادی . جمهوری فدراتیو شورانی !